

گفت وگوی خبری

یاجمشید حقیقت‌شناس
مدیر هنری جشنواره تجسمی فجر:

در ابتدای راه هستیم

جشنواره تجسمی فجر دولتی نیست

میترا صالحی

آیین افتتاحیه نهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای معاصر تهران برگزار شده است. دبیری این دوره از جشنواره در مجتبی آقایی به عهده داشته است. در مجموع ۱۰۳ اثر در شاخه‌های مختلف هنرهای تجسمی مانند نقاشی، سفال و سرامیک، عکس، کاریکاتور و خوشنویسی و گرافیک به معرض نمایش درآمده است. به‌بهانه برپایی این جشنواره یا جمشید حقیقت‌شناس، مدیر هنری جشنواره به گفت‌وگونیسته‌ایم.



جمشید حقیقت‌شناس

هنری سالانه تلاش کرده‌اند و جشنواره از زمان شروع تا امروز به جیش‌های مطلوبی دست یافته ولی واقعیت این است که به کار بردن واژه دستاور برای جشنواره‌ای که تازه ۹ دوره را پشت سر گذاشته کمی زود است. باید بپذیریم جشنواره تجسمی فجر فعلا در مرحله رشد و شناخت امکانات است و مانند نهال جوانی می‌ماند که تا رسیدن به مرحله درختی برپار شدن زمان لازم دارد. در عین حال جشنواره‌ای است که به دلیل داشتن مولفه‌های بسیار از پتانسیل و توانمندی زیادی برخوردار است تا به این مرحله برسد و ثمرات سازنده‌ای در پی داشته باشد، ولی همان‌طور که اشاره کردم هنوز زمان زیادی لازم است تا آنچه نسبت به این جشنواره مد نظر داریم محقق شود و به تمامیت برسد.

یکی از انتقاداتی که در سال‌های اخیر نسبت به جشنواره تجسمی فجر صورت گرفته این است که برخی به این مساله اشاره می‌کنند که این جشنواره به جای آنکه از حضور بزرگان عرصه تجسمی بهره بگیرد، شکل و شمابلی دانشجویی یافته و اساسا جشنواره‌ای دولتی است.

نظر شما چیست؟

اتفاقا دل‌مان می‌خواهد که جشنواره تجسمی فجر دولتی شود؛ هرچند این جشنواره دولتی نیست و طبعاً از امکاناتی که باید هم برخوردار نشده است. در حالی که اگر جشنواره تجسمی فجر به قول شما دولتی شود می‌تواند در ابعاد وسیع از امکانات و سیاستگذاری مدون دولت هم بهره گرفته و در ابعادی به مراتب بهتر از این برگزار شود، ولی اینکه جشنواره تجسمی فجر دانشجویی شده است را قبول ندارم.

یعنی همین که جشنواره تجسمی فجر از معدود رویدادهای هنری است که برخلاف بی‌ینال‌های تجسمی هر سال به شکل منظم برگزار می‌شود دلیل بر این نمی‌شود که از حمایت مستقیم سیاستگذاران فرهنگی برخوردار است؟ در حالی که دیگری بی‌ینال‌های تجسمی در شاخه‌های مختلف چندین سال است که مجالی برای برگزار شدن نیافته‌اند؟ ببینید مساله این است که جشنواره تجسمی فجر یکی از جشنواره‌هایی است که اگرچه نوپا و جوان است، ولی توانسته در این سال‌ها به خوبی عرصه‌ای برای بروز و ظهور هنرمندانی از شاخه‌های مختلف تجسمی باشد. این جشنواره جوان است و احتیاج به زمان دارد، ولی برآیندهای مثبتی هم در پی داشته است. ضمن اینکه این جشنواره با نواقصی هم مواجه است. به عنوان مثال هنوز تبدیل به جشنی ملی نشده است یا هنوز مردم به عنوان مصرف‌کنندگان واقعی تولیدات این جشنواره شناخته نشده‌اند. اینها اشکالاتی است که به جشنواره تجسمی فجر وارد است و به‌طور قطع این زمان لازم داریم تا این نواقص مرتفع شود.

کنسرت

مهدی جلالی، مدیر هنری گروه موسیقی «یاراوا»

یک کنسرت، یک پژوهش



قرار است روز بیست و دوم بهمن یکی دیگر از برنامه‌های کنسرت پژوهشی «آی‌سی» (از آموزشگاه موسیقی «سروش» برگزار شود. این کنسرت درواقع ششمین برنامه‌ای است که اجرا می‌شود. «آی‌سی» به معنی کنسرت غیررسمی و مخفف (informal concert) است. ما این اسم را انتخاب کردیم؛ چون تمایل داشتیم مخاطبان آزادانه و بدون خرید بلیت به تماشای این برنامه بنشینند. هر کدام از کنسرت‌هایی که در طول سال‌های اخیر از سوی گروه «یاراوا» در این ارتباط برگزار شده در یک قالب بوده است؛ ولی این کنسرت برای تنبور سولو نوشته شده و یک نوازنده و یک آهنگساز دارد. درواقع نوازنده این دوره از کنسرت پژوهشی من هستم و علی گرجی نیز آهنگسازی این قطعه را به عهده داشته است. اساسا هدف ما از برگزاری کنسرت‌های پژوهشی از این دست شناساندن زوایای پیدا و پنهان موسیقی نو و مدرن در ایران بوده و تجربه به ما نشان داده است کنسرت‌هایی که طی این سال‌ها در مکان‌های مختلفی چون آموزشگاه‌ها و برخی سالن‌های موسیقی برگزار کرده‌ایم توانسته برآیند و عملکردهای موفقیت‌آمیزی در این مسیر به همراه داشته باشد؛ به‌ویژه اینکه مخاطبان اغلب این کنسرت‌ها، دانشجویان و هنرجویان رشته موسیقی هستند. به بیان ساده‌تر این کنسرت‌ها مخاطبان خاص دارند و شاید فقط برای آن گروه از افراد جذابیت داشته باشد که به شکل تخصصی و حرفه‌ای موسیقی را دنبال می‌کنند. خاصه اینکه بعد از برگزاری هر کنسرت، جلسات پرسش و پاسخ بین اعضای گروه موسیقی و مدعوان صورت می‌گیرد که بی‌تردید این پرسش و پاسخ‌ها به تبادل اطلاعات بیشتر در زمینه موسیقی می‌انجامد.



آخر هفته با اهالی فرهنگ و هنر

دلخوشی‌های لذت‌بخش

سینمای جهان

به بهانه اکران فیلم «کافکا» در سینما نوستالژیا

یک اتفاق اغراق آمیز



پویا اعلی‌زاده

به تازه‌ترین جلسه «سینما نوستالژیا» که ۱۶ بهمن برگزار می‌شود در ادامه نگاه سینمایی به کافکا به نمایش فیلم «کافکا» می‌پردازیم که کارگردانی آن را استیون سودربرگ به عهده داشته است؛ شخصیت اصلی این فیلم فرانتس کافکا نویسنده شهیر قرن بیستم است که جرمی آپرینس نقش آن را در این فیلم ایفا کرده است. این فیلم به نوعی لایه‌های مختلفی از زندگی فردی و ادبی کافکا را در طول سال‌های حیات به تصویر کشیده است. سودربرگ حین ساخت فیلم تلاش کرده برای ارتقای جذابیت‌های بصری و تصویری از تکنیک‌های ویژه‌ای استفاده کند، چندان که برخی سکانس‌های فیلم به شکل رنگی و برخی دیگر به شکل سیاه و سفید فیلمبرداری شده است. در

این فیلم از دو اثر «مسخ» و «قصر» کافکا بهره زیادی گرفته شده است، فیلم ایده تأثیر وردپای پررنگ کافکا بر سینمای مدرن را با تصویر به ذهن متبادر می‌کند، کما اینکه در آثار اغلب کارگردانان مدرن و پست‌مدرن رنگ و بویی از آثار کافکا مشهود است. شاید یکی از مولفه‌هایی که باعث شده جذابیت فیلم دوچندان شود

کتاب

درباره انتشار کتاب «ترانه‌های باب دیلن»

یک مجموعه متفاوت و جذاب

پروین صدقیانی

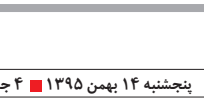
به تازگی مجموعه‌ای سه جلدی مشتمل بر آثار باب دیلن به ترجمه رضوان صدقی نژاد منتشر شده است. جلد اول این مجموعه آثاری را که دیلن در دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده، در برگرفته است، جلد دوم به آثاری که این شاعر و ترانه‌سرا در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ نوشته، اختصاص دارد و جلد سوم این مجموعه هم آثاری را که او در قالب‌های مختلف شعر و ترانه در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۹ نوشته است، در برمی‌گیرد. هر سه جلد به فاصله کوتاهی طی روزهای اخیر از سوی انتشارات «گل آذین» وارد پیشخوان کتابفروشی‌ها شده است. به نظر می‌رسد کتاب‌هایی از این دست با چنین درونمایه‌ای به سلیقه مخاطبان نزدیک است و توانسته با اقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شود. باب دیلن یکی از شاعران و ترانه‌سرایان معاصر است و در ماه‌های اخیر خبر در یافت جایزه نوبل او توانست به محبوبیت و شهرتش بیفزاید و مخاطبان بیشتر به سمت و سوی آثارش گرایش یابند. هرچند در شرایط کنونی حوزه نشر با مشکلات و افت و خیزهای فراوانی مواجه شده است که سقوط تیراژ کتاب و کم‌رنگ شدن روند کتابخوانی در کشور از مهم‌ترین این معضلات به شمار می‌روند. ولی تصور می‌کنم با وجود تمام مشکلاتی که در حوزه نشر وجود دارد، هنوز هم کتاب‌هایی که به لحاظ محتوایی راضی‌کننده و پرپرا باشند می‌توانند با اقبال خوبی از

تئاتر

درباره نمایش «دستت را به من بده»

یک تئاتر بادرون‌مایه ادبیات معاصر

به تازگی نمایش «دستت را به من بده» به نویسندگی و کارگردانی آریان رضایی روی صحنه رفته است. این نمایش که در تماشاخانه «مشایخی» روی صحنه رفته است از دو اثر «رگسانا» و «عشق عمومی» نوشته احمد شاملوام گرفته شده است. درواقع نمایش «دستت را به من بده» از معدود نمایش‌هایی است که در عین دارا بودن ساختار دراماتیک، لحن و شکلی شاعرانه به خود گرفته است. به بیان ساده‌تر، زیربنا و اساس این نمایش بر پایه ادبیات معاصر قرار گرفته است. رضایی از معدود کارگردانان تئاتر است که تلاش کرده حین اجرای یک نمایش، زوایایی از آثار ادبیات معاصر ایران به‌ویژه، در حوزه شعر را هم در معرض دید مخاطبان قرار بدهد. می‌توان گفت اگرچه نمایش «دستت را به من بده» دارای یک‌بازیگر است که خود آریان رضایی ایفاگر آن است ولی شخصیت اصلی نمایش در خلال مونولوگ‌هایی که ارائه می‌کند به روایت قصه‌هایی می‌پردازد که شاید هر کدام



آزاده صالحی

خبرنگار

هرچه به پایان سال نزدیک‌تر می‌شویم اشتیاق برای به انجام رساندن طرح و برنامه‌های نیمه‌کاره هم شدت می‌گیرد، احتمالا نویسندگان و مترجمانی که مدت‌هاست کتاب‌هایشان را برای دریافت مجوز به وزارت ارشاد سپرده‌اند، این روزها بیشتر از همیشه گوش خوابانده‌اند و در انتظار رسیدن خبری هستند. درباره تئاتر و سینما اما اوضاع کمی فرق می‌کند، فضای هنری این روزها در گیرودار برگزاری جشنواره‌هاست و وقت آن رسیده که اهالی سینما و تئاتر آنچه در طول سال کاشته‌اند را در جشنواره برداشت کنند، هرچند آن دسته از اهالی هنر که دوست همیشگی مطبوعات بوده‌اند در ایام جشنواره هم ما را از پیشنهادات خود محروم نکرده‌اند، مانند پیشنهادات این‌بار که از دیدگاه و نثر و قلم متفاوت هرکدام از آنها ارائه شده است.

تجسمی

درباره نمایشگاه «این گونه شیوه‌های مدارا» در گالری ثالث

آرامش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

این مجسمه‌ها، انتقال پیام‌هایی به شکل تلویحی به مخاطبان بوده است. حالا اینکه چقدر توانسته‌ام در این مسیر موفق باشم به دیدگاه کلی بازدیدکنندگان برمی‌گردد. در مجموع در این نمایشگاه ۳۲ اثر از من ارائه شده که هر کدام حالات مختلفی از رفتار آدم‌های جامعه را به تصویر می‌کشند. می‌توان گفت مهم‌ترین مولفه این نمایشگاه چند تاویلی بودن آثار است که می‌تواند برداشت‌های مختلفی را از سوی مخاطبان به همراه داشته باشد. هرچند در سال‌های اخیر تعداد نمایشگاه‌های مجسمه به نسبت گذشته افزایش یافته؛ اما واقعیت این است که برگزاری نمایشگاه مجسمه در مقایسه با دیگر شاخه‌های تجسمی به مراتب دشوارتر است، ضمن اینکه اساسا ویژگی مجسمه به این شکل است که تکنیک‌های پیچیده و مختلفی را دربر می‌گیرد. در عین حال هنری گران و زمان‌بر نیز هست، با این حال تمام مجسمه‌هایی که از من تمام نمایشگاه ارائه شده



نمایشگاه «این گونه شیوه‌های مدارا»

تک نسخه‌ای است؛ یعنی مدل‌های مومی را عینا ریخته‌گری کرده‌ام؛ روی ایسن اصل قابلیت تکثیر ندارند. درواقع با ارائه آثار تک نسخه‌ای می‌خواستم به این نکته اشاره کنم که اساسا در جامعه‌ای که ندارند، برخی فاقد صورت هستند و بعضی دیگر پوسته‌های توخالی هستند. هدف من از ساخت

ساختن حجم‌هایی در ابعاد مختلف، راه مدارا کردن

را درپیش می‌گیرد. فیکورهایی که در این نمایشگاه در معرض دید مخاطبان قرار گرفته‌اند به نوعی ناقص ارائه شده‌اند؛ بعضی از این مجسمه‌ها پا ندارند، برخی فاقد صورت هستند و بعضی دیگر پوسته‌های توخالی هستند. هدف من از ساخت

موسیقی

به بهانه کنسرت هنرمندان استونی در گرگان

یک کنسرت و چند ویژگی مشترک

موسیقی دستگاهی ایران هم پیردازند. هرچند رایزنی برای برگزاری کنسرت هنرمندانی که از کشورهای دیگر به ایران می‌آیند، سخت است و با دشواری‌های خاص خودش همراه است. حتی گاه هنرمندانی از کشورهای مختلف که متقاضی اجرای برنامه‌های هنری مثل برگزاری کنسرت در ایران هستند، برای ورود به ایران ناچارند پروسه اداری طولانی مدتی را طی کنند، کما اینکه این دو هنرمند برای برپایی کنسرت در ایران دو سال در انتظار ماندند. اگر بخوایم به دیدگاه هنرمندان

استونی نسبت به موسیقی ردیف دستگاهی ایران اشاره کنم باید بگویم از آنجایی که آنها موسیقیدانان حرفه‌ای هستند به موسیقی تمام کشورها با دید حرفه‌ای نگاه می‌کنند، جالب است که موسیقی ایرانی را به خوبی می‌شناسند و چون موسیقی هستند زوایای پیدا و پنهان این حیطه را مورد واکاوی قرار داده‌اند. تجربه

برگزاری کنسرت این دو هنرمند طی روزهای اخیر در فرهنگسرای ارسباران به خوبی این نکته را ثابت کرده است که موسیقی استونی از نظر فواصل و جمله‌بندی با موسیقی ایران قرابت دارد و از این نظر مخاطبانی که به تماشای این کنسرت می‌آیند می‌توانند به سادگی با آن ارتباط برقرار کنند.

تلوویز یون

به بهانه پخش فیلم «استرداد» از شبکه افق

روایت تاریخی در بستر سینما

تلویزیون فردا شب میزبان یک فیلم سینمایی می‌شود. این فیلم «استرداد» نام دارد و کارگردانی آن را علی

غفاری برعهده دارد و محسن علی اکبری هم تهیه‌کننده آن است. قرار است این فیلم ساعت هشت و نیم شب از شبکه افق پخش شود. فرخ‌نژاد، فرهاد قائمیان، الیسا کاجر، صالح میرزاآقایی، سیاوش چراغی‌پور، الکساندر ناوانسف، علیرام نورایی بهنام تشکر، شیرین یزدان‌بخش و... هم در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. تمام وقایع این فیلم در بستر تاریخی می‌گذرد. می‌توان گفت فیلم به طو کلی حول محور جنگ جهانی دوم و نحوه ورود متفقین به ایران می‌گردد. یکی از مولفه‌هایی که بر جذابیت فیلم می‌افزاید این است که بخش‌هایی از فیلم به



امیر حسین دلبری

تازه‌ترین آثارم در قالب نمایشگاهی انفرادی به تازگی در گالری «ثالث» در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. من نام این نمایشگاه را گذاشتم «این گونه شیوه‌های مدارا». وجه تسمیه این نمایشگاه به نوعی به مجسمه‌هایی که ارائه کرده‌ام، برمی‌گردد. تلاش کرده‌ام تصویر ذهنی‌ای را که از آدم‌های اطرافم داشتم، در این آثار منعکس کنم؛ آدم‌هایی که از خصیصه‌های اخلاقی متفاوتی برخوردارند و برای ادامه زندگی در کنار آنها باید به مدارا پرداخت. تصور من بر این است که هر کسی با جهان پیرامون خود به شکلی کنار می‌آید؛ یکی از کوره درمی‌رود و فریاد می‌زند، دیگری سکوت می‌کند، یک نفر فرار را به مانند ترجیح می‌دهد و کسی هم مثل من از طریق

ساختن حجم‌هایی در ابعاد مختلف، راه مدارا کردن را درپیش می‌گیرد. فیکورهایی که در این نمایشگاه در معرض دید مخاطبان قرار گرفته‌اند به نوعی ناقص ارائه شده‌اند؛ بعضی از این مجسمه‌ها پا ندارند، برخی فاقد صورت هستند و بعضی دیگر پوسته‌های توخالی هستند. هدف من از ساخت



شهرام مبار می

به تازگی راه‌وو لیلیان لاتکسپ زوج هنرمند کشور استونی به دعوت ما به ایران سفر کرده‌اند تا کنسرتی را در ۱۷ بهمن در شهر گرگان برگزار کنند. هرچند این هنرمندان طی روزهای اخیر هم کنسرتی را در فرهنگسرای ارسباران برپا کرده‌اند. در بخش اول این کنسرت، هنرمندان به اجرای قطعاتی از ساخته‌های خود می‌پردازند و در بخش دوم نوازندگان جوان ایرانی مانند محمد رسولی نوازنده نی، کیوان پهلوان نوازنده دایره و سعید محمدی نوازنده تار هم آنها را در این اجرا همراهی خواهند کرد. این دو هنرمند از پژوهشگران موسیقی باستانی هستند و ساق‌هاست در این عرصه به فعالیت مشغولند. سازهایی که آنها در این کنسرت

می‌نوازند نیز مشتمل بر چنگ و سازهای بادی باستانی متعلق به کشور استونی است. هر دوی این هنرمندان به دلیل داشتن علاقه و پیش‌زمینه ذهنی که نسبت به موسیقی ایرانی و اصول ایران داشته‌اند به ایران سفر کرده‌اند، آنها همچنین قصد دارند در قالب کنسرت‌هایی که برگزار می‌کنند به نوعی به هم‌نوایی



پوستر فیلم «استرداد»

«استرداد» ماجرا از این قرار است که یک سرهنگ ایرانی به نام فرامرز تکین مامور می‌شود به همراه چند شخصیت سیاسی به شوروی سفر کرده و چند تن طلا را از طریق کشتی به ایران منتقل کند؛ اما در این مسیر با اتفاقاتی مواجه می‌شود.